

برای پول‌های خواهرم



جادوگر امور مالی



این هفته فضای مجازی با یک خبر عجیب روبه‌رو شد؛ کلاهبرداری ۷۷۰ میلیاردی علی کریمی از خواهرش. به همین مناسبت تعدادی از واکنش‌هایی که به این خبر داده شد را با هم مرور می‌کنیم. یک مبارز: طبق اطلاعات موثقی که من دارم، خواهر علی کریمی یکی از کارکنان باسابقه واحد خواهران سپاه بوده و این پروژه تماش نقشه سپاه برای زمین زدن جنبش هست (به پنجر کردن اتوبوس‌های شرکت واحد ادامه می‌دهد تا نظام سقوط کند). یک فعال حقوق زنان: نظام باید تضمین کند که خواهر علی کریمی تو زندان از حق انتخاب لباس و نوع پوشش برخوردار باشه (به پاساژگردی ادامه می‌دهد). یک مسؤل سابق تهران: خیلی راه پیچیده‌ای برای انتقام انتخاب کرده. راه من خیلی سریع و راحت‌تر بود (به تمیز کردن تفنگش ادامه می‌دهد). یک طلبکار: قطعاً نظام مقصر این وضعیته؛ چون اگه دلش برای خواهر علی کریمی می‌سوخت، باید چکش رو پاس می‌کرد که اون بنده خدا هم زودتر آزاد بشه (هشتگ می‌زند #خواهر_علی_کریمی_را_آزاد_کنید). یک برانزنا: هموطن، تنها کسی که الان می‌تونه خواهر علی کریمی رو از زندان رژیم نجات بده، خود علی کریمیه. پس یک هل دیگه به جنبش بدید تا رژیم سقوط کنه و علی کریمی بیاد و یکی از مقامات کشور بشه و بعدش بتونه خواهرش رو از زندان نجات بده (در همین رابطه یک فراخوان می‌دهد). کارلو کلودی (خالق داستان پینوکیو): قطعاً از من سرقت ادبی شده. علی کریمی شخصیت خودش رو از گربه‌نره و روباه مکار که من خلق کردم، دزدیده (پپ می‌کشد). گربه‌نره و روباه مکار: کارلوجان چی می‌گی داداش؟ چیزی زدی؟ ما نهایتش یک سکه از پینوکیو که اون هم به عروسک چوبی بود بلند کردیم. این یارو ۷۷۰ میلیارد تومن از خواهر خودش کلاهبرداری کرده.



ما کجامون شبیه اینه؟ واقعا به نهادی نیست که از حقوق و حیثیت شخصیت‌های داستانی دفاع کنه؟ (متحول شده و می‌روند که سکه پینوکیو را پس بدهند).

یک شرخر پیشکسوت: علی کریمی واقعا می‌تونست شرخر خوبی بشه؛ حیف که استعدادش رو تو فوتبال هدر داد (به زدن بدهکار بديخت با پنجه‌کس ادامه می‌دهد). یک صاحب هایپرمارکت: علی کریمی یک هفته قبل از فرارش، اومد سنگین از ما خرید کرد، ما هم رژیم به حساب؛ الان از وقتی فرار کرده، هیچ‌کس نیومده حسابش رو صاف کنه؛ حالا ما یقه کیو بگیریم این وسط؟ (از دوران ورکشکستی‌اش درس می‌گیرد).

یکی از هم‌حمله‌ای‌های علی کریمی: این بابا ۷۷۰ میلیارد تومن از خواهرش کلاهبرداری کرده، بعد زورش می‌مومد قبض برق خونه‌اش رو بده؛ اون وقت برق خونه‌های ما یک شب درمییون می‌رفت (موتور برقش را برنیز می‌زند).

یک استاد حقوق دانشگاه: اساساً زمانی که علی کریمی چک خواهرش رو به شرخر می‌داد، آیا می‌دونست که اون برگه چک بوده و مثلاً کارنامه بچهاش نبوده؟ آیا می‌دونست که سپردن چک میلیاردی به شرخر باعث زندانی شدن صاحب چک میشه؟ آیا می‌دونست که اون خانم خواهرشه؟ تا همه این موارد به صورت قطعی روشن نشه نمی‌تونیم کار علی کریمی رو مصداق کلاهبرداری بدونیم (شاید باور نکنید ولی همین را توثیق هم می‌کنند).

یک هم‌تیمی سابق علی کریمی: روزایی که ناهارمون با باشگاه بود علی‌اقا چندتا غذا اضافه‌تر می‌گرفت به کارگرای اطراف می‌داد، حتما می‌خواست روزایی که باشگاه ناهار نمیده با اون پول



برای کارگرها غذا بخره. ما از اون درس نیکوکاری گرفتیم (از هم‌تیمی‌هایش می‌پرسد امروز باشگاه ناهار می‌دهد یا نه).

مجری مصاحبه‌کننده با کریمی در کانادا: سر جدتون نخواین که من ازش در این زمینه بپرسم، مصاحبه قبلی پوستمون کنده شد تا دو جمله قابل فهم از افشاش دربیاریما (دو عدد قرص اعصاب بالا می‌اندازد). یک فعال فضای مجازی: شاید بپرسید چرا علی کریمی از خواهرش چک می‌گرفته که باید بگم اگه خودش چک می‌کشید و چک‌هاش پاس نمی‌شد، می‌افتاد زندان در حالی که او یک ورزشکاره و جای ورزشکار در زندان نیست. اما خواهر ورزشکار زندان رفتنش بلامانعه (سقراط و اسطورو را با کیفیت استدلالش گور به گور می‌کند). یک راننده تاکسی در مرز کانادا و آمریکا: من دیشب خواب علی‌اقا رو دیدم. وسط به ویلای چندهزارمتری و سرسبز با شلوارک نشسته بود، داشت موز می‌خورد. گفت به همه بگو من حالم خیلی خوبه (گوشی را چک می‌کند و منتظر خبر جورشدن ویزایش می‌ماند).



در ستایش نخست رئیس‌جمهور

آن منورالفکر طرفدار تیر انقلاب؛ آن در مسیر ارتقای مقامات، پرشتاب؛ آن رئیس‌جمهور برطمطراق؛ آن تمامیت‌خواه خوش‌بر و بزاق؛ که تا واپسین نفس نشاخت کسی او را قدر؛ ابوالحسن بنی‌صدر - بیره الله مرده‌شور ترکیب - بود؛ که به اینتیت مایند مشهور بود و از تحزب و تجنح (حزب و جناح‌گرایی) به‌دور بود.

نقل است روزی او را دیدند که سر در جیب تفکر فرو برده و دندان بر لثه اندوه می‌ساید. پرسیدند: «لثه اندوه دیگر چه سمی است؟» فرمود: «سمی که فصولی اندرش شما را نشانیاید». پس از خود خجالت کشیده، به طریق تواضع، سبب سر و دندان فرو بردن و ساییدن پرسیدند. فرمود: «سنادی چند به حمایت از کاندیدان مخالف حزب جمهوری به پا کردم. لیک جز بینی را سوختن، نتیجه‌ای حاصل نشد. در عجبم از این همه ذمگ‌اندیشی و حزب‌پرستی این حزب جمهورما... در آن حال که من خود «جمهور» را رئیسیم!»

چون خرشهر فتح گشت، ظرفی او را گیر آورده، پرسید رئیس‌جمهور!، فرمانده کل قوا! پس تو چه کردی؟ فرمود: «نگاه». پس ظرفی از شدت و حدت تلاشش کف و روغن قاطی نموده و از ظرافت افتاد. نیز ویکی‌پدیا - کثرالله اکاذیبه - در وصف شیخ نگاشت: «بنی‌صدر چنان گل و بلبل و روشنفکر بود و فرانسه و عربی بلد بود و از سر جمهوری اسلامی زیاد بود و اینها و جمهوری اسلامی او را تاب نیاورده، کله‌پایش نمود.»

پس با هویت و صورت زنانه به بلاد فرانس گریخته و به اتفاق شیخ مسعود رجوی، به کار مجاهدین متناق، ممارست جست (کمی پیش از این نیز جست بود، لیک قایمکی)؛ حَذَفَ اللهُ امثالَه.



سلب‌پرستی نازنین

ناز و ابرو کمون سلب‌پرستی باشرف، پهلون، سلب‌پرستی

سرتاپا غرق شور و احساسه مثل به نوجوون سلب‌پرستی

ما همه چون تازدیه بی‌رحم کوزت بی‌زبون سلب‌پرستی

نداره به ستارام حتی توی هفت آسمون سلب‌پرستی

صبح تا شب میون اخباره یی به لقمه نون سلب‌پرستی

واسه سرنوشت قاتل‌ها می‌شه دل ناگرون سلب‌پرستی

سخت مشغول کار خیر شده دایه مهربون سلب‌پرستی

می‌زنه هشتگ نه به اعدام می‌شوره رد خون سلب‌پرستی

البته دزد گوشی خودشو می‌زنه پاپیون سلب‌پرستی

کافیله زندگی که بازی نیست هی نکن فیلم‌مون سلب‌پرستی

اون همه جمله قصار، آخه؟ شده کورش خزون، سلب‌پرستی!

دست بردار از توثیق و ترند بده قدری امون سلب‌پرستی

آره اینجا زمین نفرینه! به گمونم نمون سلب‌پرستی

پیاذه روی بدون اجازه

در خبرها آمده بود که نماینده کنگره آمریکا گفته: نمی‌تونیم به ایرانی‌ها اجازه بدهیم در آمریکای لاتین جای پای خودشان را به‌دست بیاورند.

خب به آمریکا حق بدهیدا واقعا این چه سباطی است که جمهوری اسلامی راه انداخته؟! آخر مگر می‌شود یک کشور به همین راحتی پایش را از نیم‌کره خودش درازتر کرده و با سرعت یوز ایرانی وارد حیاط خلوت یک کشور دیگر بشود! آن هم چه کشوری؟ آمریکا! آمریکایی که عظمتش از قدرت پیاذه‌روی و هیبت بادهای وزان رئیس‌جمهورش هویداست، رئیس‌جمهوری که تونسته بود رکورد زمین نخوردن را در ده دقیقه‌ای که روی صندلی نشسته بود جلوی ناظران گینس بشکند. انگار این جمهوری اسلامی حواسش نیست که پا در کشورهای گذشته گذاشته که قبل از این تا خراتلق مطیع آمریکا بودند و با اشاره‌ای در آنها کودتا می‌شد و اگر دولتمردانش خلاف نظر آمریکا سخنی می‌گفتند باید ضمن استعفا، بساط خود را خرکش کرده و با گفتن قند و شکر خوردم، آنها را خوشحال می‌کردند. اصلا چه معنی دارد که ایران چیزی بیشتر از برجام را مطالبه کند و دنبال ارتباط با کشورهای همسایه و غیر اروپایی باشد! تا قبل از این دولت، تقریباً فقط ونزوئلا بود که از گذشته رابطه خوبی با ایران داشت ولی حالا نیکارآگونه و کوبا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین هم دیدند که اوضاع گل و بلبل است و اعلام کردند: ما هم بازی. الان هم وضعیت طوری شده که عکس قهرمان ایرانی‌ها را برقرار می‌کنند و بدون اجازه آمریکا از جمهوری اسلامی نفکتن می‌خرند، آن هم نه یکی! بلکه جلالت را به اوج رسانده و شش تا شش تا سفارش نفتکش و ساخت پالایشگاه داده‌اند. البته کاش تفاهمات ایران با کشورهای آمریکای لاتین فقط در حد همین ساخت پالایشگاه، استخراج معادن، تولید خودرو، تسهیل تجارت و کنار گذاشتن دلار در مبادلات باشد و ایران نخواهد بیشتر از این و بدون اجازه، جای پای در آمریکای لاتین به جا بگذارد، چرا که با ادامه این وضعیت از حیاط خلوت آمریکا فقط به اندازه سرویس بهداشتی گوشه حیاط برایش باقی می‌ماند، سرویسی که دیوارهایش خراب شده و آبش هم قطع است!



ما توان شکر خدمتش چو نیست خدا! خودت درآی از خجالتش

ایرانی‌ها اجازه نمی‌دهیم در آمریکا جای پای خودشان را بدست بیاورند

که از جیب همیشه خود دهی چگونه تو شب سر به بالین نهی نه آن ادعا و نه این اختلاس شدی اسب شیطان و می‌هی می‌چی

نه آن ادعا و نه این اختلاس و در رفته‌ای مقصدت لاس و گاس مزن بر سر ناتوان دست زور که روزی نمایی چو مور التماس

مزن بر سر ناتوان دست زور شده اش حق خواهی تو چه شورا! لیبر جان چه‌شد رفته‌ای توی اوت از این وضع برخیز و بنما عبور

لیبر جان چه‌شد رفته‌ای توی اوت چنین زندگی هست بدتر ز موت اگه ذره‌ای غیرت کار کرد برو در بی مردن و مرگ و فوت



هفته‌های شپور

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نشر: اعظم‌سادات موسوی
دبیر سرویس شعر: عباس تافته
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: علی شهبازی

راه‌های ارتباطی: @tanzym-ir
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!

آخ جون، داریم میرم به تهرون هفته

تهران پس از ۱۷ سال میزبان وزیر امور خارجه عربستان شد و فیصل بن فرحان از حضور در تهران، ابراز خوشحالی کرد. وی گفت: «ما تازه فهمیدیم دنیای فردا چه شکلی است.»

بی‌محلای هفته

آمریکا تنها جایی را که تحریم نکرده ماست‌فروشی برادران کامبیز است و ایران هم با وجود تحریم‌ها صادرات نفت خود را افزایش داده. میرزا تحریم بنویس آمریکا هم گفت: «خب یکی من رو آدم حساب کنه.»

بچه حرف گوش کن هفته

افغانستان موافقت خود را برای بازدید کارشناسان ایرانی از سد کجکی اعلام کرد. «طالبان فهمیدن که همسایه از قاضیل به آدم نزدیک‌تره.»

نون پدر شیر مادر حادثه هفته

علی پاکدامن، بعد از ۲۲ سال توانست برای ایران مدال طلای شمشیربازی را کسب کند. «دستت درد نکنه بابت شاد کردن دل ملت و جیگر زلیخا کردن دل دشمن ملت.»

کاری‌گاه از دست‌مون برمیاد هفته

بر اساس گزارش فانو ایران بزرگ‌ترین صادرکننده لیبیات در آسیا شد. «حالا هی تحریم کنیم، ببینیم کی ضرر می‌کنه، من یا تو؟»

جلو چشمت رو نگاه کن هفته

دو جنگنده سوئیسی هنگام نمایش هوایی به هم خوردند و نه تنها خودشان اوراق شدند، بلکه به یک خانه هم برخورد کرده و یک نفر را راهی بیمارستان نمودند. «مگه نمی‌گفتن تو سوئیسی همه چیز مثل ساعت، رو نظلم کار می‌کنه!»